

تحلیل تجارب پدیدارشناختی بر اساس روش جیورجی

شیرین حسونند^۱، طاهره اشک تراب^{۲*}، نعیمه سید فاطمی^۳، نیر سلمانی^۴

۱. استادیار، دکتری پرستاری، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم‌آباد، ایران.
 ۲. دانشیار، دکتری پرستاری، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی در مانی شهید بهشتی، تهران، ایران.
 ۳. استاد، دکتری پرستاری، مرکز تحقیقات مراقبت‌های پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.
 ۴. استادیار، دکتری پرستاری، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران.
- * نویسنده مسئول مکاتبات: دکتر طاهره اشک تراب t.ashktorab@sbmu.ac.ir

چکیده

از میان مراحل یک پژوهش کیفی، مرحله تحلیل داده‌ها پیچیده‌ترین و مبهم‌ترین مرحله است. در متون کمترین بحث‌های اندیشمندانه در مورد آن صورت گرفته است. مقاله مروری حاضر برگرفته از بخش روش‌شناسی رساله دکتری یکی از نویسندگان مقاله حاضر است. این مقاله با هدف تشریح مراحل تحلیل داده‌ها در پدیدارشناسی توصیفی بر اساس رویکرد تحلیلی جیورجی تدوین شده است. در راستای معرفی روش تحلیل یاد شده، پژوهش‌های مختلفی که روش جیورجی را مورد استفاده قرار داده بودند (در قالب پایان نامه‌های کارشناسی ارشد، رساله‌های دکتری، مقالات تحقیقی و توضیحات ارائه شده توسط دکتر جیورجی طراح رویکرد مورد نظر)، توسط پژوهشگران مورد بررسی و نقد قرار گرفتند. تحلیل داده‌ها بر اساس چارچوب جیورجی، از سنت هوسرل پیروی می‌کند. به عقیده جیورجی هدف تحلیل پدیدارشناسی بیش از هر تحلیل دیگری، واضح سازی معنا و مفهوم پدیده‌ها است. مراحل تحلیل جیورجی عبارتند از: ۱. در نظر داشتن نگرش پدیدارشناسی ۲. مطالعه متن مصاحبه برای رسیدن به حس کلی از آن ۳. تفکیک واحدهای معنایی اولیه ۴. تبدیل واحدهای معنایی به عبارات روان شناختی و ۵. ساخت ساختار روان شناختی عمومی تجربه بر اساس مولفه‌های اصلی. از بین رویکردهای تحلیل داده‌های پدیدارشناختی به ویژه پدیدارشناختی توصیفی، روش تحلیلی جیورجی، کمترین روش انتخابی توسط پژوهشگران داخلی بوده است. در حالی که مرور متون حاکی از آن است که مطالعات بسیاری در خارج، از این رویکرد برای تحلیل داده‌ها بهره برده‌اند. اما با وجود مطالعات خارجی بسیار در این زمینه، تشریح مراحل تحلیل داده‌ها همراه با ارائه جزئیات میسوط از سوی نویسندگان مطالعات یاد شده، کمتر روی داده است. با عنایت به این که ارائه جزئیات بیشتر در مورد روش تحلیل داده‌ها، امکان دسترسی پژوهشگران به اطلاعات کافی و مورد نیاز را فراهم ساخته و راهنمای مناسبی برای آنها در پژوهش‌های بعدی خواهد بود. لذا تشریح مراحل تحلیل داده‌ها به تفصیل ضرورت داشته و در مقاله حاضر سعی شده این موضوع مرتفع گردد.

واژه‌های کلیدی: تحلیل کیفی، پدیدارشناسی، پدیدارشناسی توصیفی، رویکرد تحلیل جیورجی

تجربه انسانی در مورد انواع پدیده‌ها می‌پردازد (Giorgi, 2005), Wimpenny and Reiners, 2012, Oskouie and Peyrovi, 2005 (Gass, 2000). دو مکتب فکری عمده پدیدارشناسی در متون پرستاری عبارتند از؛ پدیدارشناسی توصیفی و تفسیری (Polit and Beck, 2012).

هر یک از این رویکردها علیرغم اهداف متفاوت‌شان، به دانشی منتهی می‌شوند که معرف بینش نسبت به معنای پدیده تحت مطالعه است (Hasanvand, 2014). ادومند هوسرل، بنیانگذار جنبش فلسفی پدیدارشناسی، روش فلسفی خود را

مقدمه

پدیدارشناسی به عنوان یک روش نظام‌مند، دقیق و به عنوان سنت تحقیق کیفی استقرایی از عقاید فلسفی فلاسفه‌ای همچون برنتانو^۱ تا فلاسفه قرن بیستم، ادومند هاسرل^۲، مارتین هایدیگر^۳ و مرلو پونتی^۴ سرچشمه گرفته و به بیرون کشیدن و نمایاندن ادراکات

1. Brentano
2. Edmond Husserl
3. Martin Heidegger
4. Merleau -Ponty

عنوان چالش برانگیزترین بعد این نوع تحقیقات محسوب می‌شود (Whiting, 2002, Thorne, 2000). برای ارائه یافته‌هایی که داده‌های خام را به دانش جدید تبدیل کند، پژوهشگر کیفی می‌بایست فرآیندهای تحلیلی متعدد و دشواری انجام دهد. درک چنین فرآیندهایی نه تنها برای انجام پژوهش کیفی بلکه برای بررسی، درک و تفسیر تحقیقات کیفی به عنوان موضوع مهمی تلقی می‌شود. گاهی برای خوانندگان و منتقدان تحقیقات کیفی زبان تحلیل، گمراه کننده و درک آنچه که به واقع توسط پژوهشگر انجام گرفته، سخت و دشوار است (Thorne, 2000).

از سویی دیگر در تحقیقات پدیدارشناسی، برای تحلیل داده‌ها به تعداد فنونولوژیست‌ها، رویکردهای پدیدارشناسی بسیاری وجود دارد. آمدنو جیورجی^۶ در این زمینه بیان داشته که در پدیدارشناسی، دستیابی به تفسیری عامه‌پسند و مشترک بسیار مشکل است (Mortari and Tarozzi, 2010). برای تحلیل داده‌ها و توصیفات مشارکت کنندگان در مکاتب مختلف پدیدارشناسی، روش‌های مختلفی وجود دارد. در این زمینه کلایزی^۷، وان کام^۸ و جیورجی سه روش را معرفی نموده‌اند. هر یک از روش‌های یاد شده، معنای تجربه را با کمک مضامین ظهور یافته توصیف می‌کنند. پژوهشگر در جستجوی الگوهای مشترک استخراج شده از تجارب خاص مشارکت کنندگان است (De Castro, 2011, Penner and McClement, 2008, Reiners, 2012).

نویسندگان مقاله مروری حاضر در پژوهشی کیفی تجارب تعلق‌پذیری بالینی دانشجویان پرستاری را مورد بررسی قرار دادند. با عنایت به هدف پژوهش مورد نظر، از بین رویکردهای تحلیلی پدیدارشناسی توصیفی، رویکرد تحلیلی جیورجی به عنوان مناسب‌ترین روش برای تحلیل داده‌ها انتخاب گردید. با توجه به عدم دسترسی محققین به منابع دست اول و مرجع تحلیل داده‌ها به روش مورد نظر، همچنین مبهم بودن توضیحات مربوط به چنین تحلیلی در برخی کتب مرجع پرستاری، پژوهشگران مطالعات پدیدارشناسی داخلی و خارجی که روش مورد نظر را برای تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار داده بودند را مرور کردند. هدف نائل آمدن به درک جامعی از نحوه‌ی تحلیل داده‌ها به روش یاد شده و همچنین تنویر افکار

پدیدارشناسی (Giorgi, 2005)، علم پدیده‌های ناب نامید و پدیدارشناسی توصیفی توسط وی معرفی گردید (Reiners, 2012, Groenewald, 2004). او معتقد بود پدیدارشناسی هم‌ه‌ی پیش‌فرض‌ها را کنار می‌گذارد، با هوشیاری^۱ در ارتباط بوده و بر مینای معانی تجارب افراد می‌باشد. تجربه‌ی درک کردن، اندیشیدن، حافظه، تخیل و عاطفه چیزهایی هستند که هاسرل آن‌ها را جهت‌مند بودن هوشیاری^۲ می‌نامد و شامل آگاهی مستقیم فرد از یک موضوع یا حادثه است (Reiners, 2012). فلسفه وی بر توصیف تجارب انسانی تأکید داشت (Hasanvand, 2014). چهار مرحله‌ی مطالعه پدیدار شناسی توصیفی عبارتند از:

۱. تعلیق عقاید یا در پرانتز گذاشتن^۳: شامل فرآیند شناسایی و تعلیق عقاید از پیش تصور شده در مورد پدیده‌ی مورد مطالعه است. گرچه تعلیق عقاید هرگز به طور کامل محقق نمی‌شود، اما پژوهشگر به منظور رویارویی با شکل ناب داده‌ها سعی می‌کند هرگونه پیش فرضی را کنار بگذارد. این فرآیند به صورت تکرار شونده رخ می‌دهد. پژوهشگر پدیدارشناسی برای این موضوع مهم از رویدانگاری بازتابی^۴ استفاده می‌کند.
۲. به کار گیری شهود^۵: زمانی اتفاق می‌افتد که پژوهشگر در مورد معنای نسبت داده شده به پدیده، صریح و بی‌پرده باشد. این مرحله مستلزم آن است که محقق به طور کامل در پدیده مورد نظر غور کرده و از هر گونه انتقاد، ارزشیابی یا ابراز عقیده خودداری کند و توجه خود را به طور کامل به پدیده مورد مطالعه معطوف دارد.
۳. تحلیل داده‌ها: در این مرحله به تعیین جوهره‌ی پدیده مورد مطالعه بر اساس داده‌های بدست آمده پرداخته می‌شود.
۴. توصیف: زمانی خواهد بود که پژوهشگر در پی درک و تعریف پدیده است. هدف از توصیف، مرتبط کردن و مکتوب کردن عناصر اصلی پدیده است. توصیف بر اساس دسته‌بندی پدیده صورت می‌گیرد (Oskouie and Hasanvand, 2014, Peyrovi, 2005, Polit and Beck, 2012).

از میان مراحل پژوهش کیفی از جمله تحقیقات پدیدارشناسی، تحلیل داده‌ها پیچیده‌ترین و دشوارترین مرحله‌ی پژوهش و به

¹. Consciousness

². Intentionality

³. Bracketing

⁴. Reflexive journaling

⁵. Intuiting

⁶. Amedeo Giorgi

⁷. Colaizzi

⁸. VanCam

می‌برند. بدین مفهوم که افراد با کمک بازاندیشی^۲ به هوشیاری خویش پی می‌برند ولی برای پی بردن به هوشیاری سایرین، این کار فقط از طریق جسم صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر جسم بدون هوشیاری، فقط جسم است. بنابراین نمی‌توان "هوشیاری" را نادیده گرفت.

پدیدارشناسی، بررسی هوشیاری با کمک بررسی فعالیت‌های آن در مورد اشیاء، بدون فرضیه‌سازی در مورد خاستگاه اشیاء می‌باشد. این مفهوم که "هوشیاری" اشیاء را به خاطر خود آنها در نظر می‌گیرد، "هدف دار بودن هوشیاری" نامیده می‌شود (Broome, 2011). به عبارت دیگر، هوسرل معتقد است تمام تفکر، احساسات و اعمال ما همیشه درباره چیزهای جهان است و تمام آگاهی‌های هوشیار، آگاهی‌های جهت‌مند هستند، تمام هوشیاری به صورت هوشیاری-از-چیزی است. بنابراین، پدیدارشناسی ترانسندنتال در حقیقت پدیده‌شناسی هوشیاری و در صدد این است که بفهمد معانی چیزها چگونه به وسیله هوشیاری تشکیل می‌شود. پدیدارشناسان معتقد هستند هستی انسان تنها از آن جهت معنی‌دار است که افراد همیشه نسبت به چیزها هوشیار هستند و معنی، از ارتباط بین شخص و جهان، زمانی که شخص به تجربیات معنی می‌دهد ظهور پیدا می‌کند. (Peyrovi, 2005).

روش جیورجی جهت تحلیل داده‌ها، الگوی قدرتمندی را برای پژوهشگر فراهم ساخته است (Anderson, 2010). وی در زمینه هدایت پدیدارشناسی توصیفی، کمک‌های شایان و قابل توجهی نموده است (Migel, 2009). تحلیل داده‌ها بر اساس چارچوب جیورجی، از سنت هوسرل پیروی کرده و بر اساس در نظر گرفتن مفهومی از بستر اصلی آن^۳ و معرفی آن به بستر جدید^۴ می‌باشد (Koivisto و همکاران، ۲۰۰۲).

به عقیده جیورجی هدف تحلیل پدیدارشناسی بیش از هر تحلیل دیگری، واضح‌سازی معنا و مفهوم پدیده‌هاست. پدیدارشناسی نه در پی شرح علل و نه کشف علل، بلکه در جستجوی واضح‌سازی مفهوم است (Anderson, 2010). جیورجی در اشاره به پدیدارشناسی به عنوان روش تحقیق،^۴ مشخصه اشاره شده توسط مرلوپونتی را دنبال می‌نماید که این مشخصه‌ها عبارتند از توصیف^۵، تقلیل^۶، شناسایی ساختار یا

پژوهشگران در مورد موضوع مورد نظر بود. مرور ادبیات مرتبط نشان داد، در مطالعات داخل تنها یک پژوهش کیفی به روش جیورجی انجام شده (Zoladl, et al., 2006) یا لااقل در دسترس قرار گرفته است. در مطالعات انجام گرفته در سایر کشورها، که تعداد زیادی مقاله تحقیقی را شامل می‌شد، توضیحات مربوط به بخش تحلیل داده‌ها، ناکافی و بعضاً مبهم و متفاوت با یکدیگر بود. از این رو، در پی عدم دسترسی به راهنمایی موثق در این زمینه، مطالعات مختلفی که روش جیورجی را مورد استفاده قرار داده بودند (در قالب رساله کارشناسی ارشد، دکتری، مقاله تحقیقی، توضیحات ارائه شده توسط دکتر جیورجی طراح رویکرد مورد نظر)، توسط پژوهشگران مورد بررسی و نقد قرار گرفتند تا راهنمایی جامع تهیه شده و در اختیار پژوهشگران علاقمند به مطالعات کیفی و تحلیل داده‌ها با کمک این رویکرد قوی کیفی قرار گیرد.

بدین ترتیب در مقاله حاضر سعی شده، مراحل تحلیل داده‌ها به همراه مثال‌های عینی (برگرفته از پژوهش کیفی صورت گرفته توسط نویسندگان پژوهش) ارائه شود تا فرا روی پژوهشگران بعدی که ممکن است این روش را مناسب‌ترین روش برای تحلیل داده‌های خود ببینند، قرار گیرد. برای این منظور، ابتدا شرح کوتاه و مختصری از اساس نظری که به واسطه‌ی آن جیورجی اثر تحقیقی خویش را با رویکرد پدیدارشناسی مورد حمایت قرار داده، ارائه می‌گردد. در ادامه به صورت مبسوط، کاربرد روش جیورجی برای تحلیل داده‌ها مورد بحث قرار خواهد گرفت.

روش تحلیل پدیدارشناسی جیورجی

هوسرل معتقد است پدیدارشناسی با هوشیاری در ارتباط بوده و بر مبنای معانی تجارب افراد می‌باشد (Reiners, 2012). در واقع یکی از مفاهیم بنیادی فلسفه پدیده‌شناسی هوسرل، مفهوم جهت‌مند بودن هوشیاری است (Peyrovi, 2005). بدین مفهوم که هر مورد هوشیاری فراتری از فعلی است که در آن ظهور پیدا می‌کند. دیدگاه پدیدارشناسی ذهن هوشیار را به عنوان اساسی‌ترین بخش کیفیت زندگی که با جسم همزیستی دارد، تأید می‌نماید. بدین ترتیب انسان به عنوان یک هوشیاری مجسم^۱ در نظر گرفته می‌شود. به عقیده هوسرل و مرلو پونتی، افراد به واسطه اجسام فیزیکی خود به هوشیاری دیگران پی

². Reflection

³. Decontextualization

⁴. Recontextualization

⁵. Description

⁶. Reduction

¹. Embodied consciousness

پدیدارشناسی^۴ است (Giorgi, 2007). نگرش پدیدارشناسی با نگرش عادی یا شیوه‌های معمول درک دنیای پیرامون متفاوت است. در نگرش پدیدارشناسی محقق دانش روزمره خود را با هدف ارائه نگاهی نو به داده‌ها در پراگماتیک قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، پژوهشگر پیش فرض‌های نظری، فرهنگی، تجربی و سایر موارد را به کناری می‌گذارد (Broome, 2011). در حقیقت فرض نگرش پدیدارشناسی به مفهوم دو چیز است. ۱) انجام اپوخه^۵ یا تعلیق و ۲) تقلیل. مفهوم براکتینگ یا در پراگماتیک گذاشتن بر گرفته از اپوخه هوسرل است که در آن پژوهشگر بدون ارائه فرضیه در مورد اعتبار یا وجود داده‌ها به خود اجازه‌ی حضور می‌دهد. چنین نگرشی می‌بایست طی فرایند تحلیل داده‌ها توسط پژوهشگر رعایت شود (Broome, 2011, Giorgi, 2007).

گام دوم: گام دوم در تحلیل داده‌ها، مطالعه کلی توصیف به منظور دستیابی به حس کلی از متن مصاحبه^۶ است که به واسطه‌ی آشنایی پژوهشگر با اطلاعات کسب شده و رونویسی کلمه به کلمه داده‌های خام مصاحبه انجام می‌گیرد (Anderson, 2010). تنها نکته‌ای که به عقیده‌ی جیورجی باید در این مرحله در نظر داشت، این است که کل متن مصاحبه باید مورد مطالعه قرار گیرد. چون دیدگاه پدیدارشناسی، دیدگاهی کل نگر^۷ می‌باشد (Giorgi ۱۹۷۵). در واقع گام اول رسیدن به حس کلی از بیانیه‌ها، بدون بازاندیشی نقادانه در مورد تجربه‌ی مورد نظر ولی همراه با نگرش پدیدارشناسی است. برای این منظور پژوهشگر می‌بایست جهت رسیدن به حس کلی از متن مصاحبه‌ها، بارها آنها را خوانده و تلاش نماید معنای تجربه مربوط به پدیده‌ی مورد نظر را از دیدگاه شرکت‌کنندگان، نه بر اساس تئوری و دیدگاه نظری خود درک نماید (Broome, 2011, De Castro, 2011). پژوهش خودکام به روش پدیدارشناسی توصیفی و با هدف بررسی تجارب بیماران بهبود یافته از اختلالات روانی انجام شده بود، روش تحلیل جیورجی را به کار برده و در این زمینه بیان داشته‌اند که آنها به منظور رسیدن به یک ایده کلی از مصاحبه‌ها، کل متن مصاحبه را مطالعه کرده و سعی داشتند زبان شرکت‌کننده را بفهمند. سپس متن مصاحبه را به

جوهره^۱ و جهت مند بودن هوشیاری (Mortari, Migel, 2009, and Tarozzi, 2010). اولین مشخصه به این موضوع اشاره دارد که تحلیل و تفسیر بایستی متعاقب توصیف عینی شرکت‌کننده باشد نه تفسیری که ماحصل دیدگاه نظری پژوهشگر است. روش پدیدارشناسی می‌بایست توصیفی باشد. چون پژوهشگر پدیدارشناسی قصد دارد از هر گونه تحلیل خام یا سازه‌های تفسیری اجتناب نماید. به عقیده جیورجی توصیف کردن، واژه‌های عملیاتی است. هدف پژوهشگر توصیف دقیق پدیده و تا حد امکان فارغ از هرگونه چارچوب از قبل مشخص می‌باشد (Groenewald, 2004). دومین مشخصه، تقلیل، شامل در نظر گرفتن معنا و مفهوم تجربه است، همان طور که در آگاهی تبلور می‌یابد (De Castro, 2011). تقلیل به عنوان تعهد پژوهشگر نسبت به درک معنای تجارب شرکت‌کنندگان از دیدگاه آنها در نظر گرفته می‌شود. درک معنای تجارب دقیقاً آن طور که در بازاندیشی‌های داستان گونه بنظر می‌رسد. محقق بایستی از تغییر تجارب مشارکت‌کنندگان به آنچه که خود ترجیح می‌دهد، اجتناب نماید (Migel, 2009). سومین مشخصه شناخت جوهره یا ماهیت پدیده است. بدین صورت که محقق به دنبال مشخصه‌های غیرقابل تغییر پدیده تحت مطالعه است و در نهایت چهارمین مشخصه، موضوع جهت مند بودن هوشیاری است. فعالیتی آگاهانه و ارادی که به واسطه آن هر فردی با دنیا و اشیاء پیرامون خود ارتباط پیدا می‌کند (De Castro, 2011).

کاربرد و استفاده از روش جیورجی برای تحلیل داده‌ها

در ادامه به تشریح مراحل تحلیل داده‌ها با استفاده از رویکرد جیورجی و مثال‌های عینی مرتبط با آن پرداخته می‌شود. برخی نویسندگان در معرفی روش تحلیل جیورجی به دو بخش تحلیل فردی^۲ و تحلیل ترکیبی^۳ اشاره می‌کنند. تحلیل فردی به تحلیل داده‌های مربوط به هر مصاحبه به صورت انفرادی اطلاق می‌گردد. در حالی که در تحلیل ترکیبی، مصاحبه‌ها به عنوان یک گروه در نظر گرفته شده و اشتراکات بین آنها بررسی می‌گردد (Anderson, 2010).

گام اول: یکی از مهم‌ترین مراحل تحلیل داده‌ها بر اساس رویکرد تحلیلی جیورجی، در نظر گرفتن نگرش ترانسندنال

^۴ Transcendental phenomenological attitude

^۵ Epoche

^۶ Sense of the whole

^۷ Holistic

^۱ Essences

^۲ Individual

^۳ Combined

است، مشخص شود. تعیین و تفکیک واحدهای معنایی با عبور و گذار از یک ایده به ایده‌ای دیگر صورت می‌گیرد. واحدهای معنایی مورد نظر با یکدیگر معنای کل تجربه را تشکیل می‌دهند (Whiting, Migel, 2009, Anderson, 2010). در حقیقت واحدهای معنایی (Giorgi 2002) و (Giorgi 1989). در حقیقت واحدهای معنایی عینی در متن مصاحبه وجود ندارند، بلکه پژوهشگر فقط قصد دارد متن مصاحبه را به واحدهای معنایی تجزیه نماید که ضمن تحلیل عمیق‌تر، مدیریت آنها به سهولت انجام گیرد (De Castro, 2003, 1975).

به عقیده جیورجی، این که چگونه و در کجا واحدهای معنایی مشخص شوند، قطعی نیست. ممکن است در مورد داده‌های مشابه، پژوهشگران مختلف در جاهای متفاوتی، واحدهای معنایی را مشخص نمایند. گرچه ممکن است بین پژوهشگران واحدهای معنایی مشابه یا متفاوت باشد. اما آنچه که حائز اهمیت است، یافته‌های پژوهش و همچنین کیفیت کلی تحلیل داده‌ها می‌باشد. در حقیقت، لازم نیست محقق به تعیین اولیه واحدهای معنایی متعهد باشد (Broom, 2011).

برای این منظور پژوهشگران متن مصاحبه‌ها را مطالعه و هر جایی از متن مصاحبه که بیانگر تغییر معنا بود را علامت‌گذاری نمودند. به منظور تمایز واحدهای معنایی از علامت اسلش یا ممیز (/) استفاده شد. فرآیند مورد نظر تا پایان متن هر مصاحبه انجام گرفت تا واحدهای معنایی مشخص شود. کادر ۱، برخی واحدهای معنایی اولیه برگرفته از متن مصاحبه یکی از مشارکت‌کنندگان پژوهش انجام گرفته توسط محققین در زمینه مفهوم تعلق پذیری بالینی را نشان داده است.

گام چهارم: تبدیل (Transformation) واحدهای معنایی به عبارات توصیفی از طریق تقلیل داده‌ها یا تبدیل واحدهای معنایی به عبارات مهم روان‌شناختی (Psychologically sensitive expressions) نام دارد (Giorgi 1975, Broome, 2011, Migel, 2009). این مرحله، قلب این روش تحلیلی را تشکیل داده (Giorgi 1975) و از نظر جیورجی دشوارترین مرحله است (Giorgi 1989). چون اولین تغییر داده‌ها در فرایند تحلیل طی این مرحله صورت می‌گیرد (Broome, 2011). این مرحله صرفاً شامل توصیف چگونگی تجربه موضوع و درک آن توسط مشارکت‌کننده مطابق دیدگاه وی بدون تبیین "چرایی" آن است. این که چرا این پدیده به این شیوه تجربه شده، مد نظر نمی‌باشد (Broome, 2011). تبدیل واحدهای معنایی به زبان علمی اساساً طی دو مرحله انجام

صراحت، بارها و بارها مطالعه کرده تا به خوبی بر کل آن تسلط پیدا کنند. مطالعه متن مصاحبه برای بار نخست که جیورجی آن را فرآیند آشنایی^۱ نامیده، با هدف درک زبان شرکت‌کننده توسط پژوهشگر انجام می‌گیرد (Migel, 2009). این مرحله بر اساس دیدگاه پدیدارشناسی گشتالت و بر این فرض استوار است که کلیه بخش‌های متن مصاحبه با یکدیگر در ارتباط هستند. کسی قادر خواهد بود روابط بین اجزاء را درک کند، که لااقل یک بار سرتاسر متن مصاحبه را مورد بررسی قرار دهد (Thorkildsen and Raholm, 2010).

به همین منظور در مرحله‌ی نخست، پژوهشگران با رونویسی کلمه به کلمه داده‌های خام، بازخوانی مصاحبه‌های رونویسی شده همزمان با گوش دادن به صدای ضبط شده و مطالعه‌ی متن هر مصاحبه برای چندین بار، فاز آشنایی جیورجی را به اتمام رسانیدند. معیار "رسیدن به حس کلی" بیانگر دیدگاه پدیدارشناسی گشتالت است که توسط جیورجی پذیرفته شده است. فرض بر این است که کلیه قسمت‌های مصاحبه به هم مرتبط بوده و بدون توصیف کامل مصاحبه حداقل برای یک بار، روابط بین اجزاء درک نمی‌شود (Giorgi 1989).

گام سوم: این مرحله تفکیک واحدها^۲ نام دارد. برآیند نهایی تحلیل پدیدارشناسی، تعیین معنا/معانی تجربه است (Giorgi 1975). زمانی که پژوهشگر متن مصاحبه را مطالعه نمود و به حس کلی از آن دست یافت، متن مصاحبه به آنچه که جیورجی آن را واحدهای معنا^۳ یا تمایز معنا^۴ می‌نامد، تغییر می‌یابد (De Castro, 2011) تا بدین وسیله با داده‌ها به عنوان واحدهای قابل مدیریت رفتار شود (De Castro, 2011).

در این راستا چندین بار رونوشت‌ها توسط پژوهشگر، مطالعه و واحدهای معنایی مشخص می‌گردد (Anderson, 2010). هدف از این مرحله، تعیین واحدهای معنایی اولیه^۵ یا طبیعی^۶، همان طوری که توسط شرکت‌کنندگان توصیف شده، می‌باشد. واحد معنایی می‌تواند یک واژه یا یک پاراگراف باشد. بدین منظور با بازخوانی رونوشت‌ها و درک هر رونوشت، بایستی خط به خط داده‌ها تحلیل، واژه‌ها و عبارات مهم یا بخش‌هایی از مصاحبه که با تجارب شرکت‌کنندگان در مورد پدیده مورد نظر مرتبط

¹. Familiarization

². determination of parts

³. Meaning unites

⁴. Meaning discrimination

⁵. Preliminary

⁶. Natural

کدام یک غیر ضروری؟ به واسطه تبدیل، آنچه که واحد معنایی از نظر روان‌شناختی بیان می‌کند، بدون هر گونه تفسیر در مورد حقیقت آن توصیف می‌شود (Broome, 2011).

بدین ترتیب تحلیل فردی از گام اول تا پنجم را شامل می‌شود. این مرحله که در تحلیل فردی به عنوان مرحله پایانی در نظر گرفته می‌شود، تحلیل مصاحبه‌ی هر یک از شرکت‌کنندگان و توصیف تجربه بر اساس واحدهای معنایی ظاهر شده در مرحله پیشین تحلیل داده‌ها می‌باشد. هر واحد معنایی بخشی از کل پدیده مورد مطالعه است. در این مرحله، واحدهای معنایی مورد نظر با هم ترکیب شده تا ساختاری منطقی از پدیده‌ای که به صورت فردی تجربه شده، ایجاد شود. در عین حال بخش‌های اضافی مصاحبه حذف می‌گردد. نتیجه‌ی این مرحله ساختار با در نظر گرفتن موقعیت^۳ نام دارد (Anderson, 2010). (کادر ۴)

گام پنجم: در مرحله نهایی تحلیل داده‌ها، پژوهشگر ساختارهای خاص شناسایی شده در مرحله قبل را مورد بازاندیشی قرار می‌دهد. اختلافات موجود در تجارب افراد حذف شده و تنها بر ابعاد مشترک تجارب کلیه مشارکت‌کنندگان تمرکز و به عبارت دیگر تحلیل ترکیبی صورت می‌گیرد. چنین روندی امکان ظهور توصیف نهایی از پدیده مورد مطالعه را تحت عنوان توصیف عام یا اساسی^۴ فراهم می‌آورد (Anderson, 2010, Koivisto, et al., 2002). چنین توصیفی از شمار بسیاری از رویدادهای واقعی بدست می‌آید و بر اساس مؤلفه‌های اساسی^۵ روان‌شناختی تجربه مورد نظر می‌باشد.

در این جا پژوهشگر بایستی مشخص کند چه خصیصه‌ای از ساختار خاص معرف یک حقیقت کلی است و کدام خصیصه نه. بدین ترتیب هر ساختار خاص با سایر ساختارهای خاص مقایسه می‌شود تا همگرایی‌ها و واگرایی‌ها شناسایی شود. این شباهت‌ها زمانی که به صورت کلامی بیان شوند، بیانیه‌های عمومی هستند که ممکن است بخشی از توصیف عمومی ساختار جایگزین آن پدیده باشد (Koivisto, et al., 2002, Broome, 2011). ترکیب کلیه واحدهای معنایی تغییر یافته به یک ساختار عمومی از پدیده در برخی سطوح قابل توصیف است:

الف) ترکیب واحدهای معنایی تغییر یافته به یک بیانیه منسجم (درون‌مایه)

می‌شود: ابتدا پژوهشگر به زبان خویش و تا حد امکان به سادگی معنای هر واحد معنایی را توصیف می‌نماید. بدین صورت که با حفظ بستر و زمینه‌ای که در آن تجربه رخ داده، فرآیند تبدیل اولیه از واژه‌های شرکت‌کننده به واژه‌های پژوهشگر صورت می‌گیرد (Kvåle and De Castro, 2011). چنین فرآیندی شامل تبدیل از گفته‌های شرکت‌کننده، که به زبان اول شخص مفرد بوده، به زبان علمی (علم پرستاری)، سوم شخص مفرد می‌باشد (De Castro, 2011). در حالی که نسبت به معانی بیان شده توسط مشارکت‌کنندگان متعهد بوده و محتوای معنایی تغییر نمی‌یابد (Broome, 2011) (کادر ۲). در این مرحله تغییری در واحدهای معنایی اتفاق نمی‌افتد (Giorgi 1989)

سپس پژوهشگر سعی می‌کند هر واحد معنایی را به موضوع مورد مطالعه ارتباط داده و مجدداً معنای هر واحد را به زبان علمی (علم پرستاری) بنویسد (De Castro, 2011). بنابراین، این مرحله شامل بررسی واحدهای معنایی از نظر هدف خاص پژوهش می‌باشد. شامل هم بررسی واحدهای معنایی اولیه و هم درون مایه‌ها است و سوال در مورد این که "این چه چیزی را در مورد مفهوم مورد نظر به محقق می‌گوید؟" "جیورجی به درون مایه‌های نهایی اصطلاح خاصی را نسبت نمی‌دهد، ولی امروزه به آن درون مایه‌های مکاشفه آمیز^۱ گفته می‌شود (کادر ۳). چنین فرآیندی بایستی در مورد کلیه واحدهای معنایی و درون مایه‌های اصلی آنها که از مرحله سوم استخراج شده است، انجام شود (Whiting, 2002). بدین ترتیب، مطابق روش جیورجی فرآیند تبدیل طی دو مرحله انجام می‌گیرد (De Castro, 2011).

فرآیند تبدیل بیانات معمولی به زبان علمی (علم پرستاری) با تاکید بر پدیده مورد مطالعه (Koivisto, et al., 2002) از طریق تفکر انتزاعی انجام نمی‌شود (De Castro, 2011) بلکه اساساً به واسطه فرآیندهای ذهنی معرفی شده توسط هوسرل یعنی باز اندیشی و واریاسیون تصویری آزاد^۲ انجام می‌شود تا جوهره و ماهیت ساختار پدیده مورد تجربه مشخص شود (Broome, 2011). چنین فرآیندی ضرورت دارد، زیرا توصیفات خام افراد می‌تواند معرف واقعیت‌های چند گانه باشد (Koivisto, et al., 2002). هدف از استفاده از واریاسیون تصویری این است که مشخص شود کدام کیفیت پدیده ضروری و اساسی است و

³. Situated structure

⁴. General or Essential structure

⁵. Constituent

¹. Revelatory

². Free imaginative variation

کادر ۱: واحدهای معنایی اولیه برگرفته از بخشی از متن مصاحبه
مشارکت کننده ۸

بخشی از متن مصاحبه یکی از مشارکت‌کنندگان

الیگودرز که بودم بخش زنان کار می‌کردم. اینجا هم تو خرم آباد بخش اورولوژی. مسئول بخش‌هاشون خوشبختانه خیلی با من خوب بودند/ این که مثلاً "وقتی می‌گفتم من امروز شیفت نیام یا این ماهو نمی‌خوام شیفت بیام. حالا نمیتونم. دلشوا ازمن می‌پرسیدند چرا نمی‌خوای؟ مثلاً چرا دیشب حالت گرفته بود تو شیفت؟ چرا اینجوری بودی؟ چرا اونجوری بودی؟ این که حس می‌کردم برای اون کسی که به نحوی مسئول من محسوب میشه، با اینکه میتونه نپرسه مثلاً شما چرا اینجوری یا اونجورید؟ از نظر روحی میتونی نپرسی چرا خانم... امروز سر شیفت حالت خوب نبود؟ ولی همیشه مثلاً ازم می‌پرسیدند یا مربیای خودم. همیشه ازم می‌پرسیدند چرا مثلاً امروز حالت گرفته است؟ مثلاً یادش بخیر استاد... استاد... (از اساتید دانشکده) اگه می‌رفتم کارورزی و به کم حالم بد بود، یا به کم از نظر روحی بهم ریخته بودم میومدند با من صحبت می‌کردند. مثلاً چی شده؟ حالا جدای این که کارورزی و کارهای عملی که باید انجام بدیم، اصلاً چه دلیلی داره امروز حالت خوب نبود؟ اینکه آره آدم لذت می‌بره برای اون کسی که باهاشون کار میکنی مهمی. مثلاً حواسشون هست اون روز چه جوری هستی؟ mood ات رو قبل و بعد در نظر دارند. حالا بتونند کمکت کنند، کمک می‌کنند/ (تو محیط بالینی به دانشجو بنظر من چه از نظر علمی و چه از نظر کار عملی زرتگ باشه، برای اون بخشی که کار میکنه مسلماً اهمیت پیدا می‌کنه /و میتونه خودش مثلاً مریضهاشو بدون اینکه حالا اگه هم شیفتیش نباشه. حالا به هر دلیلی مثلاً اومدیم تک نفره شد، میتونه اون محیط رو خودش اداره کنه و این اداره کردن بنظرم خیلی چیز مهمی میشه /که شخص بعداً توی قبول کردنش، همکارا اونو قبولش می‌کنند. به عنوان یه شخص مهمی.

ب) توصیف منسجم کلیه عناصر به یک ساختار عمومی، در این نوع تلفیق کلیه واحدهای معنایی، بیانیه‌های منسجم (درون‌مایه‌ها) و اختلافات در نظر گرفته می‌شود (Thorkildsen and Rahlom, 2010). بدین ترتیب در انتها در پژوهش پدیدارشناسی با هدف تبیین مفهوم تعلق‌پذیری بالینی توسط پژوهشگران، طبقات و مضامین پژوهش مشخص شدند. در نهایت ۵ مضمون اصلی از مجموع ۱۲ مصاحبه انجام گرفته حاصل شد (کادر ۵).

بحث و نتیجه‌گیری

مقاله حاضر حاصل مرور گسترده مقالات تحقیقی که از روش جیورجی برای تحلیل داده‌ها استفاده کرده بودند، همچنین درگیر نمودن طراح رویکرد تحلیلی مورد نظر (دکتر آمدو جیورجی) و مساعدت و یاری ایشان بوده است. محققان بدین نتیجه رسیدند، برخی پژوهشگران در ارائه جزئیات بیشتر در مورد فرآیند تحقیق موفق نبودند. به گونه‌ای که برای پژوهشگران بعدی این امکان فراهم نمی‌شود که مراحل به کار گرفته شده را به صورت عملیاتی دنبال نمایند. حتی یک موضوع نگران‌کننده‌تر مسئله‌ای است که (Whiting, 2002) بدان اشاره می‌کند. او معتقد است مفسرانی نظیر اومری^۱ و استروبرت و کارپنتر^۲ در مورد روش‌های تحلیل داده‌ها از جمله روش جیورجی تفاسیری متفاوت با آنچه که در کار اصلی آنها اشاره شده، دارند. به هر حال ارائه جزئیات بیشتر در مورد روش تحلیل داده‌ها، منجر به درک بیشتر محققین شده و راهنمای مناسبی برای پژوهشگران خواهد بود. همچنانکه (Berg 2005) در پژوهش تحقیقی خود، به منظور تحلیل داده‌های مربوط به تجارب زنان مبتلا به دیابت، چگونگی کنترل چالش‌های مربوط به آن در دوران بارداری به روش جیورجی، به رویکردی که توسط Dullberg و همکاران (۲۰۰۱) استفاده شده بود به عنوان راهنمای تحلیل داده‌های خود استناد نموده‌اند.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند کمال سپاس و قدردانی خویش را از دکتر آمدو جیورجی که راهنما و راهگشای نگارندگان طی تحلیل داده‌های بخش کیفی رساله بودند، اعلام دارند.

^۱. Omery

^۲. Strubertand Carpenter

کادر ۲: تبدیل واحدهای معنایی به زبان علمی (علم پرستاری)

تبدیل دو(موضوع اصلی هر واحد معنایی)	تبدیل یک	واحدهای معنایی
اهمیت رفتار مناسب سرپرستار از دیدگاه دانشجو	دانشجو در اشاره به تعلق‌پذیری نسبت به محیط بالین به بخش‌هایی که در آن‌ها تجربه کار دانشجویی داشته (بخش جراحی زنان و اورولوژی مردان) اشاره می‌نماید و از برخورد مناسب سرپرستار بخش‌های مورد نظر با خود اظهار خرسندی می‌کند.	الیگودرز که بودم بخش زنان کار می‌کردم. اینجا هم تو خرم آباد بخش اورولوژی. مسئول بخش‌هاشون خوشبختانه خیلی با من خوب بودند.
احساس ارزشمندی داشتن از جانب اطرافیان (مری، کارکنان پرستاری)	وی چنین ادامه می‌دهد؛ زمانی که از دادن شیفت در بخش منصرف شده و یا تصمیم وی برای دادن شیفت تغییر می‌کرده، سرپرستار جویای دلیل چنین تصمیمی از جانب وی می‌شده است. از نظر وی چنین برخوردی به او این حس را منتقل می‌کرده که از نظر سرپرستار مهم و ارزشمند است. در این رابطه به تجربیات کارورزی هم اشاره نموده و می‌گوید حین کارورزی‌ها هم، چنانچه از لحاظ روحی اوضاع مساعدی نداشته مریبان وی متوجه این تغییر می‌شده‌اند. او از اینکه برای اطرافیانش اهمیت داشته و در صورت نیاز به وی کمک شود، ابراز خوشحالی می‌کند.	این که مثلاً وقتی می‌گفتم من امروز شیفت نمیام یا این ماهو نمیخوام شیفت بیام. حالا نمیتونم. دلیلشو ازم می‌پرسیدند چرا نمیخوای؟ مثلاً چرا دیشب حالت گرفته بود تو شیفت؟ چرا اینجوری بودی؟ چرا اونجوری بودی؟ این که حس می‌کردم برای اون کسی که به نحوی مسئول من محسوب میشه، با اینکه میتونه نپرسه مثلاً شما چرا اینجوری یا اونجورید؟ از نظر روحی میتونی نپرسی چرا خانم... امروز سر شیفت حالت خوب نبود. ولی همیشه مثلاً ازم می‌پرسیدند یا مریبای خودم. همیشه ازم می‌پرسیدند چرا مثلاً امروز حالت گرفته است؟ یا مثلاً یادش بخیر استاد... و استاد... (از اساتید دانشکده) اگه می‌رفتم کارورزی و یه کم حالم بد بود، یا یه کم از نظر روحی بهم ریخته بودم میومدند با من صحبت می‌کردند. مثلاً چی شده؟ حالا جدای این که کارورزی و کارهای عملی که باید انجام بدیم، اصلاً چه دلیلی داره امروز حالت خوب نبود؟ اینکه آره آدم لذت می‌بره برای اون کسی که باهاشون کار میکنی مهمی. مثلاً حواسشون هست اون روز چه جور هستی؟ mood ات رو قبل و بعد در نظر دارند. حالا بتونند کمکت کنند حالا کمک می‌کنند.

کادر ۳: واحدهای معنایی، موضوع اصلی واحد معنایی و درون مایه‌های مکاشفه‌آمیز

واحدهای معنایی	موضوع اصلی واحد معنایی	درون مایه‌های مکاشفه‌آمیز
<p>الیگودرز که بودم بخش زنان کار می‌کردم. اینجا هم تو خرم آباد بخش اورولوژی. مسئول بخش‌هاشون خوشبختانه خیلی با من خوب بودند.</p> <p>این که مثلاً "وقتی میگفتم من امروز شیفت نیمام یا این ماهو نمیخوام شیفت بیام. حالا نمیتونم. دلیلشو ازم می‌پرسیدند چرا نمیخوای؟ مثلاً" چرا دیشب حالت گرفته بود تو شیفت؟ چرا اینجوری بودی؟ چرا اونجوری بودی؟ این که حس می‌کردم برای اون کسی که به نحوی مسئول من محسوب میشه، با اینکه میتونه نپرسه مثلاً "شما چرا اینجوری یا اونجورید؟ از نظر روحی میتونی نپرسی چرا خانم... امروز سر شیفت حالت خوب نبود. ولی همیشه مثلاً" ازم می‌پرسیدند یا مربیای خودم. همیشه ازم می‌پرسیدند چرا مثلاً "امروز حالت گرفته است؟ یا مثلاً" یادش بخیر استاد... و استاد... (از اساتید دانشکده) اگه می‌رفتم کارورزی و یه کم حالم بد بود، یا یه کم از نظر روحی بهم ریخته بودم میومدند با من صحبت می‌کردند. مثلاً "چی شده؟ حالا جدای این که کارورزی و کارهای عملی که باید انجام بدیم، اصلاً" چه دلیلی داره امروز حالت خوب نبود؟ اینکه آره آدم لذت می‌بره برای اون کسی که باهاشون کار میکنی مهمی. مثلاً "حواسشون هست اون روز چه جوری هستی؟ mood ات رو قبل و بعد در نظر دارند. حالا بتونند کمکت کنند حالا کمک می‌کنند.</p>	<p>اهمیت رفتار مناسب سرپرستار از دیدگاه دانشجویان</p> <p>احساس ارزشمندی داشتن از جانب اطرافیان (مربی، کارکنان پرستاری)</p>	<p>تعلق به محیط بالینی به معنای رفتار مناسب سرپرستار با دانشجو است.</p> <p>تعلق به محیط بالینی به معنای احساس ارزشمندی نمودن از جانب اطرافیان است.</p>

جو آموزشی محل تحصیل خود اشاره می‌نماید (مشارکت ۵).

کادر ۴: ساختار خاص مربوط به تجربه یکی از مشارکت کنندگان در

مورد پدیده‌ی مورد مطالعه

کادر ۵: توصیف عام یا اساسی پدیده تعلق پذیری

تعلق‌پذیری نسبت به محیط بالینی به معنای "حرکت در مسیر تکامل‌یافتگی" است.

تعلق‌پذیری نسبت به محیط بالینی به معنای "توجه به ارزش‌های انسانی و اخلاقی" در محیط بالینی است.

تعلق‌پذیری نسبت به محیط بالینی به معنای "هم‌نوایی با محیط" است.

تعلق‌پذیری نسبت به محیط بالینی به معنای "در جستجوی دستیابی به حس رضایت درونی" است.

تعلق‌پذیری نسبت به محیط بالینی به معنای "یکپارچگی حرفه‌ای" است.

از نظر مصاحبه شونده، تعلق یعنی وابستگی، متعلق به کسی بودن، در وادی خاصی رفتن و تعلق به محیط بالینی، احساس متعلق به مجموعه‌ای بودن و انجام صحیح وظایف متعاقب آن است. وی معتقد است زمانی به محیط بالینی احساس تعلق دارد که خود را جزئی از محیط بداند، به محیط مورد نظر علاقمند و حضور کارآمد داشته باشد. حضور کارآمد از نظر وی، امکان تلفیق دانش نظری و بالینی و حضور فعال داشتن در بخش‌های بالینی است. وی به عدم احساس تعلق در بخش‌های زنانه به دلیل عدم تطابق با بیماران به لحاظ جنسیتی اشاره نموده است. همچنین معتقد است زمانی به محیط بالینی احساس تعلق خواهد داشت که بین فرد و مجموعه حس پذیرش متقابل باشد. مجموعه مورد نظر برای دانشجو ارزش قائل گردیده و متقابلاً دانشجو هم برای محیط ارزش قائل شود. در پایان در زمینه عوامل مؤثر بر تعلق‌پذیری به نقش مهم مربیان بالینی، تاثیر همتایان و محیط و

References:

- Anderson V V (2010). The experience of night shift registered nurses in an acute care setting: a phenomenological study Montana State University-Bozeman, College of Nursing.
- Berg M (2005) Pregnancy and diabetes: how women handle the challenges. The Journal of Perinatal Education. 14 (3) 23-32.
- Broome R E (2011). Descriptive phenomenological psychological method: An example of a methodology section from doctoral dissertation San Francisco, California: Saybrook University.
- De Castro A (2011) Introduction to Giorgi's existential phenomenological research method. *Psicología desde el Caribe*. 11 45-56.
- Giorgi A (1975) An application of phenomenological method in psychology. *Duquesne Studies in Phenomenological Psychology*. 2 82-103.
- Giorgi A (1989) One type of analysis of descriptive data: Procedures involved in following a scientific phenomenological method. *Methods*. 1 (3) 39-61.
- Giorgi A (2005) The phenomenological movement and research in the human sciences. *Nursing Science Quarterly*. 18 (1) 75-82.
- Giorgi A (2007) Concerning the phenomenological methods of Husserl and Heidegger and their application in psychology. *Collection du Cirp*. 1 63-78.
- Groenewald T (2004) A phenomenological research design illustrated. *International Journal of Qualitative Methods*. 3 (1) 1-26.
- Hasanvand S (2014). [Clinical Belongingness Experience in Bachelor Nursing Students: A Mixed – Method Study] Tehran: Shaheed Beheshti University of Medical Sciences and Health Services. (Persian)
- Koivisto K, Janhonen S and Väisänen L (2002) Applying a phenomenological method of analysis derived from Giorgi to a psychiatric nursing study. *Journal of Advanced Nursing*. 39 (3) 258-265.
- Kvåle K and Bondevik M (2008) What is important for patient centred care? A qualitative study about the perceptions of patients with cancer. *Scandinavian Journal of Caring Sciences*. 22 (4) 582-589.
- Migel K (2009). *The Lived Experiences of Prenatal Stress and Mind-Body Exercises: Reflections of Post-Partum Women* [dissertation] Texas:
- Mortari L and Tarozzi M (2010) Phenomenology as philosophy of research: An introductory essay. *Phenomenology and Human Science Research Today*. 9-54.
- Oskouie F and Peyrovi H (2005) [Qualitative Research in Nursing]. edition. Tehran, Iran University of Medical Sciences and Health Services Publishing.(Persian)
- Penner J L and McClement S E (2008) Using phenomenology to examine the experiences of family caregivers of patients with advanced head and neck cancer: Reflections of a novice researcher. *International Journal of Qualitative Methods*. 7 (2) 92-101.
- Peyrovi H (2005). [Clinical Experience of Nursing Students: A Qualitative Study] Tehran: Tehran University of Medical Sciences (Persian)
- Polit D F and Beck C T (2012) *Nursing research : generating and assessing evidence for nursing practice*. 9th ed. edition. Philadelphia ; London., Wolters Kluwer Health/lippincott Williams & Wilkins.(
- Reiners G M (2012) Understanding the differences between Husserl's (descriptive) and Heidegger's (interpretive) phenomenological research. *Journal of Nursing and Care*. 1 (5) 1-3.
- Thorkildsen K and Rahlom M B (2010) The essence of professional competence experienced by Norwegian nurse students: a phenomenological study. *Nurse education in practice*. 10 (4) 183-8.
- Thorne S (2000) Data analysis in qualitative research. *Evidence Based Nursing*. 3 (3) 68-70.
- Whiting L S (2002) Analysis of phenomenological data: personal reflections on Giorgi's method. *Nurse researcher*. 9 (2) 60-74.

- Wimpenny P and Gass J (2000) Interviewing in phenomenology and grounded theory: is there a difference? *Journal of Advanced Nursing*. 31 (6) 1485-92.
- Zoladl M, Sharif F, Ghofranipur F, Kazemnejad A and Ashkani H (2006) [Phenomenological study of common experiences of families with mentally ill patients]. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*. 12 67-70. (Persian)

The analysis of phenomenological experiences based on Giorgi method

Shirin Hasanvand¹, Tahereh Ashktorab², Naemeh Seyedfatemi³, Naiire salmani⁴

1. Assistant professor, PhD, School of Nursing and Midwifery, Lorestan University of Medical Sciences, Khorramabad, Iran
2. Associate professor, PhD, School of Nursing and Midwifery, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran
- 3., Professor, PhD, Centers for Nursing Care Research, School of Nursing and Midwifery, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
4. Assistant professor, PhD, School of Nursing and Midwifery, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran

*Corresponding Author: t.ashktorab@sbmu.ac.ir

Abstract:

Unquestionably, data analysis is the most complex and mysterious of all of the phases of a qualitative research, and the one that receives the least thoughtful discussion in the literature. The aim of this review paper that adapted from methodology section of doctoral dissertation was outlines the descriptive phenomenological psychological method of research and explain of data analysis based on Giorgi approach with objective examples to cause further insight and reflection by later researchers who may this choose as most appropriate method to analyze their data. Data analysis based on Giorgi framework follows Husserl tradition. Description and clarification of the phenomenon being studied is cornerstones of this phenomenological method. The stages of analysis method based on Giorgi are: 1) assuming phenomenology attitude, 2) read of interview to attain of Sense of the whole, 3) determination of primary meaning unites, 4) transforming of meaning unites to psychological statements , and 5) synthesise of psychological General or Essential structure of experience based on constituents.

Among the analysis approaches of qualitative data, analytical method of Giorgi has been as least preferred method by local researchers. However, the review of literature suggests that many foreign studies have used this approach to analyze data, describing the data analysis with comprehensive details has not been mentioned. Providing more details on the method of data analysis, allowing researchers access to necessary information and will be useful as a guide for future research. therefore, The data analysis procedures are described in detail in the paper and this matter has been resolved.

Keywords:

Qualitative Researches, Phenomenology, Descriptive phenomenology, Giorgi analytic approach